

نشست علمی طراحی شاخص ملی برای سنجش فساد اداری

مبتنی بر دیدگاه های دینی

سخنران: جناب آقای دکتر عبدالله توکلی^۱

ناقدان: آقایان دکتر محمدمهدی نادری قمی و دکتر محمدسعید تسلیمی

تاریخ برگزاری: ۸۹/۱۲/۱۱

عنوان بحث، طراحی شاخص ملی برای سنجش فساد اداری، مبتنی بر دیدگاه های دینی است. استاد ناظر و راهنمای کار، جناب آقای دکتر محمدسعید تسلیمی هستند و مشاورانی از دانشگاه و برخی از استادان در حوزه کمک می کنند تا ان شاء الله این تحقیق به درستی پیش برود و کار به نتیجه برسد.

بحث مقدماتی را از اینجا شروع می کنیم که چرا طراحی شاخص سنجش فساد اداری در کشوری مانند ایران، یک موضوع مهم است و باید بدان پرداخته شود. بدین منظور، پیشینه فساد اداری را در ایران بررسی کردیم. البته برای اینکه این کار درست در جایگاه خودش قرار گیرد، درباره پیشینه فساد اداری در جامعه بین الملل نیز تحقیق کردیم؛ ولی آنچه مرتبط با بحث ماست، پیشینه فساد اداری در کشور ایران، از زمان های قدیم تا دوران معاصر است. منابع نشان می دهد مانند سایر کشورها، در ایران نیز فساد اداری، به ویژه ارتشا، شایع بوده است؛ به گونه ای که حتی در بالاترین سطح حاکمیت، یعنی برخی از پادشاهان نیز گرفتار این موضوع بوده اند. در بعضی از مقاطع تاریخی، پست و مقام نیز خرید و فروش می شده است؛ یعنی برای جلب وزارت، وکالت و مانند آن، رشوه می داده اند. بسیاری از فعالیت ها اساساً بدون پرداخت رشوه اتفاق نمی افتاده و این موضوع در دوره مغولان، صفویان و قاجاریه بسیار رایج بوده است. این شدت در دوره قاجاریه و رژیم پهلوی بسیار عجیب است. در همین سال های آخر، مقامات رژیم می توانستند مبالغ کلانی از طریق فساد اداری به دست آورند. تحقیقات زیادی هم در ایران انجام شده است؛ از جمله آقای رفیعی پور تحقیقی در ایران انجام داده که سال ۱۳۸۴ چاپ شد. ایشان فساد اداری را به منزله سرطان اجتماعی مطرح می کند و می گوید تقریباً بیش از ۶۱٪ پاسخ گویان معتقد بودند فساد اداری، یعنی رشوه، دزدی و اخاذی، در آن سال ها افزایش قابل توجهی داشته؛ در حالی که در کشور جمهوری اسلامی ایران، قوانین متعددی برای جلوگیری از ابتلا به فساد اداری وجود داشته است؛ مانند اصل چهارم قانون اساسی و بندهای یک، دو، سه، پنج، شش و هشت آن، اصل چهل و چهارم قانون اساسی، اصل چهل و هفتم، بند پنج از اصل یکصد و پنجاه و ششم. بند آخر درباره پیشگیری از وقوع جرم است که به فساد اداری نیز اشاره دارد. همین طور در اصل یکصد و چهل و دو، که بحث عدم افزایش دارایی مقامات را مطرح می کند، مطالب سودمندی برای جلوگیری از بحث فساد اداری وجود دارد. در قوانین عادی، هم در قانون مجازات اسلامی، هم در قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری و هم در قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، راهکارهای زیادی برای جلوگیری از فساد اداری و مقابله با آن

۱. عضو هیئت علمی گروه مدیریت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مطرح شده است.

این موضوع، به‌ویژه در دههٔ اخیر، در کشور ما بسیار اهمیت یافته است. یکی از شاخص‌هایی که براساس آن، کشورها را می‌سنجند، بحث سنجش رشوه به‌عنوان یکی از مصادیق فساد اداری در گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل^۲ است. متأسفانه در گزارش‌های آنها، کشورهای اسلامی، از جمله ایران و بعضی از کشورهای همسایه، وضعیت نابسامانی دارند که در جای خود به این موضوع خواهیم پرداخت. این جزو مواردی است که مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ دربارهٔ آن تذکر دادند و درخواست ایشان الآن هم در حال پیگیری است و برخی از نتایج آن هم به جامعه گزارش می‌شود؛ ولی در ابعاد نظری این موضوع، آن‌چنان‌که شایسته و بایسته است، اقدامی در کشور نشده است. البته به‌لحاظ عملیاتی، من درصدد ارزیابی نیستم که آیا طبق فرمان مقام معظم رهبری اقدامی شده یا نه؛ آن حوزه‌ای که من بررسی کردم، واقعاً آن‌گونه که بایسته است، به این موضوع نپرداخته است. از طرف دیگر، وقتی درصدد بودم پروپوزال این کار را در سال ۱۳۸۷ تهیه کنم، و بعد هم در سال ۱۳۸۸ آن را پیگیری می‌کردم، سازمان بازرسی، یکی از عنوان‌های دارای اولویت برای کارهای پژوهشی در کشور را، موضوع فساد اداری و ارائهٔ الگو و شاخص برای سنجش آن مطرح کرده بود.

بحث اصلی این است که چگونه می‌توانیم میزان فساد موجود در نظام اداری ایران را اندازه‌گیری، و با فساد موجود مقابله کنیم و از طرف دیگر، راهکارهای پیشگیری از فساد را هم در نظر بگیریم.

پس از بحث و بررسی آکادمیک و پژوهش‌های فراوان، توصیهٔ سازمان‌های بین‌المللی و دانشمندان برای مبارزه با فساد اداری، این است که هر کشوری متناسب با فرهنگ خودش، شاخص‌هایی طراحی، و با فساد اداری موجود مبارزه کند. شاید برخی از دلایل آن به مسائل فرهنگی بازمی‌گردد. برای نمونه، چه‌بسا ارتشا در کشوری فساد تلقی شود، ولی در کشوری دیگر، فساد تلقی نشود؛ یا اینکه در کشوری، ارتشا پرداخت مالی تلقی می‌شود، اما در ادبیات دینی ما گسترهٔ وسیع‌تری دارد. همچنین در روایات ما آن چیزی که با عنوان رشوه مطرح می‌شود، فراتر از مال است؛ یعنی ممکن است گاهی گفتار یا عمل رشوه تلقی شود. بنابراین، اگر سنجش‌های براساس تعریفی که از ارتشا می‌دهیم، متناسب با یک فرهنگ و دین تفاوت کند، شاخص‌هایی که آن را می‌سنجد، متفاوت خواهد بود؛ نتایجی هم که از این تحقیقات به دست می‌آید، متفاوت خواهد شد. از این‌رو، مسئلهٔ اصلی این تحقیق آن است که چگونه می‌توان میزان فساد موجود در نظام اداری ایران را اندازه‌گیری کرد.

اما نکتهٔ دارای اهمیت، این است که شیوع و گستردگی ابتلا به فساد اداری زیاد است. گزارش‌های مختلفی که در این‌باره جمع‌آوری شده، نشان‌دهندهٔ این مسئله است. حتی در تحقیق اخیری که دبیرخانهٔ شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام داد، این موضوع تأیید شد. همان تحقیقی که سال ۱۳۸۴ آقای رفیعی‌پور انجام دادند و برخی از تحقیقات پراکندهٔ دیگر، به‌نوعی شیوع و گستردگی فساد اداری را نشان می‌دهد. اما اینکه آیا واقعاً این شیوع و گستردگی براساس این تحقیقات به دست آمده یا نه، بحثی است که در بخش نقد خواهم گفت.

نکتهٔ دوم اینکه، جایگاه ایران در رتبه‌بندی میزان فساد اداری، جایگاه مناسبی نیست. از سال ۲۰۰۳ ایران در رتبه‌بندی جهانی فساد، مورد توجه قرار گرفته است. در این سال، جایگاه ایران از میان ۱۳۳ کشور، رتبهٔ ۷۸

است. در این قسمت، جایگاه را نباید خیلی مهم تلقی کرد؛ بلکه مهم میزان نمره است؛ اما جایگاه نیز با اهمیت است. رتبه ایران به لحاظ پاکی و عدم فساد، از ۷۸ در سال ۲۰۰۳، به ادعای سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۹ به ۱۶۸ رسیده است. البته در سال ۲۰۱۰، ۲۷ پله وضعیت بهتر شده و به رتبه ۱۴۶ صعود کرده است و در سال ۲۰۱۱ با ارتقای ۲۲ رتبه‌ای، وضعیت خیلی بهتری داریم.

به هر حال، جایگاه ایران در این موضوع، جایگاه خوبی نیست. البته نقد خواهیم کرد که آیا این جایگاه به درستی تشخیص داده شده یا خیر.

نکته سومی که اهمیت طراحی شاخص را به ما نشان می‌دهد، این است که آیا شاخص‌های موجود که فساد را در کشورها می‌سنجند، اعتبار لازم را دارند یا خیر. در این بخش، بحث‌های زیادی مطرح خواهد شد. برای نمونه، فساد اداری را فقط به معنای ارتشا در نظر می‌گیرند. در ارتشا هم فقط تقاضای رشوه را می‌سنجند و سنجش هم ادراکی است. توجه داشته باشید یافته‌های تحقیقی که این قدر محدود است، چگونه تعمیم داده می‌شود و چه استفاده‌هایی از آن می‌شود. یادآوری می‌کنم که به جای اینکه کل مفهوم، یعنی فساد اداری را بسنجیم، یک مفهوم، یعنی رشوه را می‌سنجیم؛ یعنی یکی از مصادیق آن را اندازه‌گیری می‌کنیم. فساد اداری دست کم هشت یا نه مصداق دارد؛ مانند اختلاس، ارتشا، پارتی‌بازی، قوم‌نوازی و ...

آیا همه این مصادیق در TI آمده و مورد سنجش قرار می‌گیرد؟ در مورد رشوه هم ممکن است شما ارتشای واقعی را در صحنه عمل بسنجید و واقعیت‌سنجی کنید یا اینکه ادراک‌سنجی کنید؛ می‌گویید خبرگان و صاحب‌نظران و نمونه جامعه آماری، چند درصد از پرداخت رشوه درک دارند؛ آن هم فقط پرداخت رشوه، نه دریافت آن. بنابراین، این پدیده ممکن است یک کشور را در مجامع بین‌المللی محکوم کند که مثلاً فساد اداری این‌چنینی دارد. در خود شاخص CPI (شاخص ادراک فساد یا ارتشا) هم نکات بسیار مهمی وجود دارد. وقتی می‌خواهند یک کشور را ارزیابی کنند، از منابع متعددی استفاده می‌کنند. در بعضی از سال‌ها ده منبع و در برخی از سال‌ها دوازده و گاهی منابع دانشگاهی و پژوهشگاهی کمتر یا بیشتری دارند که کار سنجش و ادراک‌سنجی را براساس آن انجام می‌دهند. در مورد هر کشوری بیش از سه منبع وجود داشته باشد، در رتبه‌بندی آن سال گنجانده می‌شود. از سال ۲۰۰۳ به این طرف، در مورد کشور ایران، بیش از سه منبع اظهار نظر کرده‌اند؛ یعنی سه تحقیق مستقل انجام می‌شود و میانگین این سه تحقیق مستقل را در نظر می‌گیرند. این روش نیز مشکلات جدی دارد.

نکته چهارم، مناسب نبودن شاخص‌های سنجش فساد اداری با فرهنگ بومی کشورهاست. برای نمونه، در یک کشور آمریکای جنوبی، بعضی از مواردی را که ما فساد می‌دانیم، آنها فساد نمی‌دانند.

TI و سازمان ملل و بخش برنامه‌ریزی برای توسعه ملتها قانع شده‌اند که شاخص بومی سنجش فساد را طراحی کنند؛ حتی می‌گویند ما در این باره کمک‌های علمی می‌کنیم و حاضریم منابع در اختیار شما بگذاریم و راهنمایی و جهت‌دهی کنیم.

نکته پنجم که در واقع فرع نکته چهارم است اینکه، تاکنون برای سنجش فساد اداری متناسب با ایران، شاخصی طراحی نکرده‌ایم؛ به رغم اینکه توصیه وجود دارد و معتقدم که فرهنگ متفاوت وجود دارد. به رغم اینکه

درباره رتبه ایران براساس شاخص‌های موجود، حدس بخردانه این است که ما مظلوم واقع شدیم، اما شاخص‌های ملی و بومی نداشتیم و نداریم. برای طراحی شاخص‌های متناسب با فرهنگ خودمان، باید ابتدا بتوانیم یک مدل مفهومی مناسب با فرهنگ آموزه‌های دینی طراحی کنیم. به برخی ابعاد این مسئله اشاره می‌کنم: اولاً فساد اداری انکارناپذیر است؛ ثانیاً انواع فساد داریم؛ هرچند ممکن است علل و عوامل ایجاد فساد متفاوت باشد، پیامدهایش تقریباً یک‌سان است. فساد اداری ماهیت بین‌رشته‌ای دارد. قدمت فساد اداری نشان می‌دهد که این مسئله در گذر زمان همواره پیچیده‌تر شده و ابعاد مختلفی یافته است. برای نمونه، به‌رغم اینکه فساد اداری معمولاً مخفیانه صورت می‌گیرد و تعمد چندلایه برای مخفی کردن آن وجود دارد، در حدود شش یا هفت سال پیش، سالیانه مبلغی بین چهار تا پنج میلیارد دلار رشوه در سطح جهان کشف شده است. اینکه چرا فساد اداری اتفاق می‌افتد، عواملی اداری و مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد که هرکدام از اینها دارای زیرشاخه‌هایی است که پرداختن بدان‌ها پژوهشی جداگانه می‌طلبد.

این عوامل در سطوح فردی، خرد، متوسط و کلان تقسیم‌بندی می‌شوند؛ اما پیامدهای فساد اداری بیانگر این است که انجام دادن این تحقیق ضروری است. مطالعه مستقل برای طراحی شاخص فساد اداری، ضرورت دیگری است. تفاوت‌های فرهنگی و نقدهای متعددی که درباره شاخص‌های سنجش فساد اداری وجود دارد، ضرورت انجام دادن مطالعات ملی و منطقه‌ای را دوچندان می‌کند.

بنابراین، مدیریت و مقابله با فساد اداری به‌مثابه یک مسئله اجتماعی جهانی، نیازمند پژوهش‌های زیادی است. وضعیت فساد اداری در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای اسلامی و از جمله ایران که برای ما اهمیت دارد، مناسب نیست. از این رو، برای مقابله با فساد اداری باید به واکاوی منابع دینی بپردازیم و به سیره ائمه \square توجه کنیم.

تحقیقاتی را که در این زمینه انجام شده، عموماً سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان شفافیت بین‌الملل، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد، مجمع مبارزه با فساد و ارتقای درست‌کاری، سازمان کنفرانس اسلامی، مجمع پارلمان‌های آسیایی، و مرکز اینترنتی تحقیق و مبارزه با فساد انجام داده‌اند. سازمان‌های دیگری نیز وجود دارند که عموماً کارهای مطالعاتی درباره مبارزه با فساد اداری انجام داده‌اند و بسیاری از تحقیقات در دانشگاه‌ها و مراکز دیگر نیز به سفارش همین مراکز صورت گرفته است.

درباره اینکه چه رویکردهایی در مورد فساد اداری مطرح است؛ رویکردها بیشتر ناظر به مطالعات طراحی شاخص و مبارزه با فساد اداری، رویکردهای بازدارنده، ترمیمی و طراحی شاخص‌هاست که گاهی براساس میزان فساد ادراک شده و گاهی نیز براساس فساد واقعی، و در برخی موارد، ترکیبی است.

نکته مهم اینکه، تقریباً هیچ گزارش تحقیقی درباره مسئله تحقیق که این پژوهش بدان پرداخته است، متناسب با دیدگاه اسلام و فرهنگ ایرانی - اسلامی وجود ندارد.

گاهی نگرش برای مطالعه و طراحی شاخص‌ها، نگرش خودسنجی و خودارزیابی است. بر این اساس، شاخص‌هایی طراحی شده است (شش شاخص سنجش فساد اداری در بخش خرد و فردی ارائه شده است). گاهی نیز سنجش براساس نگرش بیرونی و مقایسه‌ای است؛ مانند سیستم سلامت ملی، سنجش مقایسه‌ای و

شاخص سلامت عمومی (شش یا هفت شاخص نیز با این رویکرد مطرح شده است). برخی از شاخص‌ها نگرش داده‌های انبوه را بررسی کردند. تعداد شاخص‌هایی را که تاکنون برای مبارزه با فساد طراحی شده‌اند، با عنوان جدول منتخب شاخص‌های بین‌المللی سنجش فساد یا همان فساد اداری بیان کرده‌ام. تقریباً پانزده شاخص مستقل داریم که سنجش فساد اداری را مورد توجه قرار داده‌اند. در این شاخص‌ها، اسم شاخص و موضوع سنجش آمده است. در شاخص انتقال، دموکراسی اقتصادی، بازار و کیفیت مدیریت سیاسی، با نگرش کشف فساد اداری مورد توجه بوده است. شاخص‌ها بسته به اینکه ۱. حوزه تمرکزشان یک حوزه خاص باشد مثل ارتشا یا نه؟ ۲. ابعاد مفهومی آنها مشخص شده است یا نه؟ ۳. ستاده‌بنیان هستند یا داده‌بنیان؟ ۴. پژوهش آنها را مرکز گزارش‌کننده انجام می‌دهد، یا از حاصل تحقیقات دیگران استفاده می‌کند و یا اینکه ترکیبی است؛ یعنی بخشی را خودش پژوهش می‌کند و بخشی دیگر را از حاصل تحقیقات دیگران می‌گیرد؛ ۵. داده‌ها ذهنی‌اند یا عینی؛ یعنی آیا این شاخص، ادراک‌سنجی می‌کند یا واقعیت‌سنجی؟ ۶. سطح بررسی آنها فقط داخل کشور است، یا نظر خبرگان خارج از کشور را هم درمورد آن کشور جویا می‌شود؟

با توجه به این شش موضوع، پانزده شاخص برای سنجش فساد اداری ارائه شده است که از این پانزده مورد فقط یکی درمورد ایران گزارش می‌دهد.

بنابراین، رهیافت‌ها به سنجش فساد اداری، متعدد است؛ یعنی گاهی رهیافت سطح خرد، گاهی سطح متوسط و در مواردی نیز سطح کلان را شامل می‌شود؛ گاهی نگرش‌سنجی می‌کند و در مواردی واقعیت‌سنجی می‌کند و گاهی هم ترکیبی از اینها را در نظر می‌گیرد.

پرسش‌های مطرح در این زمینه عبارت‌اند از اینکه، اساساً فساد اداری چیست؟ این مفهوم بر چه مبانی‌ای استوار است؟ مفاهیم هم‌عرض با فساد اداری کدام‌اند؟ برای نمونه، در عرف عام اگر می‌گویند فساد اداری، و منظورمان ارتشاست، ارتشا مفاهیم هم‌عرض دارد؛ مانند اختلاس، اخاذی، پارتی‌بازی و مانند اینها. در عرف عام مردم بسیاری از اینها را از هم تفکیک نمی‌کنند. آنها وقتی می‌گویند رشوه، مرادشان وضعیت بد است؛ یعنی همه اینها را باهم در نظر می‌گیرند؛ درحالی‌که اینها متفاوت‌اند. درواقع، جغرافیای مفاهیم متفاوت‌اند و باید ببینیم جایگاه این مفهوم در آن جغرافیا کجاست؟ زیرمجموعه‌های آن کدام است؟ متغیرهای اساسی در بروز فساد اداری کدام‌اند؟ فساد اداری چگونه شکل می‌گیرد؟ اینها پرسش‌های بنیادین است. ولی پرسش‌های نقطه کانونی این کار پژوهشی، این است که برای سنجش فساد اداری، چه ابعادی را باید بررسی کرد؟ شاخص‌هایی که تاکنون برای فساد اداری طراحی شده‌اند، کدام‌اند؟ چه رویکردهایی بر آنها حاکم است؟ اعتبار این شاخص‌ها چیست؟ این شاخص‌ها با چه نقدهایی مواجه‌اند؟ نکته دیگر آنکه، پاسخ دین اسلام، به‌ویژه با توجه به معارف اهل‌بیت^{علیهم‌السلام} درباره پرسش‌های محور یک تا پنج چیست؟ پرسش‌های یک تا پنج این بود که فساد اداری چیست؟ مبانی این کار چیست؟ پایه‌های کجاست؟ مفاهیم هم‌عرض کدام‌اند؟ متغیرهای اصلی آن چیست؟ شکل‌گیری آن چگونه است؟ پاسخ معارف اسلامی به این پرسش‌ها چیست؟

اهداف اصلی از انجام دادن این تحقیق عبارت‌اند از: شناسایی و بررسی شاخص‌های فساد اداری موجود، شناخت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی فعال در این زمینه، تبیین مدل مفهومی، بررسی منابع دینی برای استخراج

آموزه‌ها و گزاره‌های مناسب، طراحی شاخص‌های بومی، شناسایی معیار سنجش فساد اداری، شناسایی شاخص‌های سنجش فساد اداری و سنجش فساد اداری که باید در یک جامعه نمونه محدود صورت گیرد. پیش‌بینی شده است این کار در استان تهران انجام شود؛ یعنی شاخص طراحی شده در یک جامعه تست شود تا نواقص موجود در آن روشن گردد.

نتایجی که از این کار به دست می‌آید، باید شامل موارد ذیل باشد:

توسعه و تقویت ادبیات تحقیق، کمک به شناخت لازم از این پدیده در سطح ملی، کمک به ارتقای همکاری‌های علمی - اجرایی مبارزه با فساد اداری در سطح بین‌الملل، در اختیار قرار دادن شاخص‌های بومی سنجش فساد اداری، سنجش و تعیین میزان فساد اداری موجود در نظام جمهوری اسلامی، بسترسازی برای ارتقای صیانت اداری و ارتقای جایگاه ایران در رتبه‌بندی جهانی.

مراکزی که می‌توانند در این زمینه با ما همکاری کنند عبارت‌اند از: مراکز علمی و دانشگاهی فعال در زمینه فساد اداری، سازمان بازرسی، مجمع مبارزه با فساد و ارتقای درستکاری سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان شفافیت بین‌الملل، بانک جهانی، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد اداری و مجمع پارلمان‌های آسیایی. در حال حاضر ارتباط با برخی از این مراکز برقرار شده است و اطلاعاتی رد و بدل می‌شود که به ارتقای کار کمک می‌کند. همچنین با سازمان بازرسی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، برای تعیین شاخص‌های مبارزه با فساد اداری مرتبط شده‌ایم و اطلاعات مورد نیاز را هم از سایر منابع، دریافت و استفاده می‌کنیم.

روش کار در این تحقیق بدین صورت است که آن بخش از تحقیق که به دنبال مدل مفهومی کار است، یک تحقیق بنیادی است؛ بخشی از آن که به دنبال طراحی شاخص است، به نوعی یک تحقیق توسعه‌ای است. از نظر گردآوری داده‌ها و دسترسی به پارامترهای مورد مطالعه، از انواع تحقیق ترکیبی است؛ یعنی هم کمی است و هم کیفی. در هر کدام از این مراحل، از ابزار خاص خودش استفاده شده است. بنابراین، در بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق، از روش کتاب‌خوانی و بررسی اسناد و مدارک؛ در طراحی مدل مفهومی و چگونگی و میزان متغیرهای مورد مطالعه با فساد اداری، از تحلیل کواریانس؛ و برای تعیین میزان هم‌بستگی و رابطه متغیرهای مورد نظر، از تحلیل عاملی استفاده شده است. در اوایل کار پیش‌بینی می‌شد که شاید نیاز باشد از معادلات ساختاری هم استفاده کنیم. در بخشی که باید گزاره‌های بومی را بررسی کنیم، در تدوین مدل مفهومی و طراحی شاخص‌های بومی، باید با استفاده از پژوهش در منابع اسلامی، از روش تبیین فلسفی و اجتهادی استفاده می‌شد. برای بومی‌سازی مدل مفهومی، از تحلیل خبرگی و نظرسنجی خبرگان استفاده شده است.

درباره فساد اداری تعریف‌های متعددی ارائه شده است. در فرهنگ‌های فارسی، این واژه به معنای تباهی، خرابی، آشوب، بدهکاری، ظلم، پاداش نامشروع و وادار کردن به تخلف از وظیفه آمده است. در علم حقوق، آن را در برابر صحت قرار داده‌اند که به اعتبار آن صفت، عمل نمی‌تواند دارای آثار حقوقی باشد.

فساد اداری را از زوایای مختلف بررسی کرده‌اند؛ مانند فساد سیاه، خاکستری، سفید، خرد، بزرگ، فردی، نظام‌یافته و فساد اداری. جالب این است که در خود فساد اداری، گرایش فساد اقتصادی، فساد سیاسی و فساد اداری که در بستر سازمان اتفاق می‌افتد، جزو انواع آن است. مصادیق آن نیز شامل ارتشا، اختلاس، تقلب، تبعیض، سوءاستفاده از مقام،

خیانت در امانت و اخاذی است که در منابع، تعداد بیشتری از این موارد بیان شده است.

برخی از منابع تحقیقاتی که TI برای رتبه‌بندی کشورها استفاده می‌کند، عبارت‌اند از: بانک جهانی، دانشگاه کلمبیا، واحد اطلاعات و اقتصادی، اطلاعات بین‌الملل، گروه تجارت بین‌الملل، مرکز تحقیقات بازارهای جهانی، آزادی هلند، مؤسسه بین‌المللی توسعه مدیریت سوئد و برخی دیگر از دانشگاه‌ها.

سازمان بازرسی با بررسی ۱۱۸۷ گزارش، اعلام کرده است دلایل فساد اداری در کشور ایران عبارت‌اند از: ضعف مدیریت، عدم احساس مسئولیت، اعمال سلیقه و برداشت شخصی از قوانین و مقررات، عدم نظارت و کنترل مستمر و همه‌جانبه، عدم تناسب قوانین و مقررات با شرایط حاکم بر اجتماع، فقدان شایسته‌سالاری، ضعف یا فقدان نظام آموزشی مؤثر، نبود تعادل بین حقوق و دستمزد و نرخ تورم و

پیامدهای فساد اداری در ایران را این‌گونه بیان کرده‌اند: تخریب مشروعیت حکومت و حاکمیت، کاهش احترام به قانون، از بین رفتن شفافیت و حساب پس دادن، کاهش فرصت‌های سالم پیشرفت، افزایش هزینه زندگی، کاهش بهره‌وری، خنثی کردن حرکت توسعه کشور.

در طراحی هر شاخص باید مشخص کنیم که آیا این شاخص، داده‌بنیان است یا ادراک‌بنیان؛ آیا منبعش واحد است یا ترکیبی؛ آیا اصیل است یا وکالتی؛ اصیل و وکالتی هم بدین معناست که پژوهش را خودمان انجام دهیم یا اینکه آن را از دیگران بگیریم. همچنین بیان کردیم که شاخص‌های ادراک‌بنیان و تجربه‌بنیان چه شاخص‌هایی هستند؛ شاخص‌های منبع‌واحد و مرکب کدام‌اند؛ شاخص‌های وکالتی و اصیل چگونه‌اند.

نکته اساسی این است که طراحی شاخص‌های ملی و ارائه شاخص‌های مختلف توسط کنوانسیون در توسعه استراتژی‌های ضدفسادی کشور مورد نیاز است؛ به طوری که خط‌مشی‌گذاران ملی بتوانند برای توسعه و گسترش، شاخص‌های مناسب مرتبط با زمینه خاص آن کشور را طراحی کنند. ما برای اینکه شاخص‌های بومی را مبتنی بر منابع دینی انجام دهیم، روی یک مصداق خاص، یعنی رشوه از زیرمجموعه‌های شاخص‌های فساد اداری، متمرکز شدیم و تلاش کردیم تا مصداق ارتشا را مفهوم‌شناسی کنیم؛ یعنی با استفاده از روش مناسب، تعریف خودمان را از ارتشا به دست آوریم. بعد آیات، روایات و سیره و در کنار آن، آرای فقیهان، به‌ویژه آرای استدلالی آنها را گردآوری کنیم. سپس براساس روش‌شناسی موردنظر تجزیه و تحلیل انجام دهیم و شاخص جدید را طراحی کنیم.

اما اینکه در کدام مرحله از کار هستیم، ابتدا تعریف ارتشا را ارائه دادیم و سپس آیات و روایات را جمع کردیم. برای جمع‌آوری آیات و روایات، ابتدا به آن زمینه وسیع‌تر مراجعه کردیم؛ یعنی آیات و روایاتی که خود بحث فساد اداری را مورد توجه قرار دادند، جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، و گزاره‌هایی را استخراج کردیم. در این زمینه بر موضوع رشوه متمرکز شدیم؛ زیرا فهم این موضوع عام به تبیین موضوع خاص کمک می‌کرد. پس بر بحث رشوه متمرکز شدیم و دیگر به فقیهان مراجعه نکردیم و فقط آیات و روایات را بررسی کردیم. در ادامه با تمرکز بر بحث فقیهان و بررسی آرای تفصیلی، کوشیدیم سیر تطور تاریخی بحث ارتشا را به دست آوریم؛ یعنی فقه استدلالی ۳۸ فقیه را در این باره بررسی کردیم. در مورد آیات قرآن، هرکدام از آنها که مورد توجه بود، دست‌کم به چهار تفسیر معتبر درباره آن آیه مراجعه، و گزاره‌ها از آن استخراج شد؛ مانند تفسیر المیزان، تفسیر مجمع البیان،

تفسیر البیان و تفسیر نمونه. در برخی از موارد به تفاسیر دیگری نیز مراجعه شده است.

درباره آرای فقیهان هم سعی کردیم به منابع اصلی خودشان مراجعه کنیم. بعد در مورد مفهوم اساسی ارتشا، نوزده پرسش اصلی مطرح گردید. گزاره‌هایی که از آیات و روایات استخراج شده بود و نیز آرای تفصیلی فقیهان، با محوریت این پرسش‌ها سامان‌دهی شد و در نهایت به یک تعریف دست یافتیم. براساس این تعریف، یک مدل به دست آمد. در مورد موضوع رشوه، خود رشوه، راشی، مرتشی و ماشی مطرح است. البته رشوه انواع مختلفی دارد؛ ممکن است مال، کلام و عمل باشد. قالب‌های آن نیز ممکن است در قالب هبه، محابات، عاریه و معاملات متعدد باشد که در فقه به‌طور مفصل آمده است. حتی در قالب عبادات نیز ارتشا دیده شده است. برای نمونه، چه‌بسا کسی خمس یا زکاتش را پرداخت می‌کند، ولی در واقع رشوه می‌دهد. بنابراین، ممکن است قالب‌های مختلفی داشته باشد. سپس این موضوع مطرح می‌شود که مالکیت رشوه‌ای که پرداخت شده است - به‌ویژه آنجایی که مالیت مطرح است - با کیست؟ برای نمونه، در قسمت راشی، این نکات مطرح است که راشی مضطر بوده است یا خیر؛ دلایل پرداخت آن چیست؛ آیا پرداخت با درخواست بوده است یا بدون آن؛ و نیت راشی از پرداخت رشوه چه بوده است.

در مورد مرتشی هم همین موضوع مطرح است؛ وضعیت مرتشی چگونه است؟ آیا وضعیت مضطر است؟ وضعیت عادی است؟ شغل مرتشی چیست؟ موضوع شغل خیلی اهمیت دارد؛ زیرا در تشخیص اینکه مال رشوه است یا نه، بسیار تأثیر دارد.

آقای دکتر محمدسعید تسلیمی: این موضوع بیش و پیش از اینکه اداری باشد، انسانی است و حرمت، کرامت، شرف و منزلت انسان را نشانه گرفته است. از این رو، همگان باید به فکر این موضوع باشند؛ اما برای پیشگیری و ممانعت از ظهور این مشکل، مراقبت و هدایت لازم است.

این تحقیق با این ترکیب و ادبیات، پیشینه‌ای ندارد و ان‌شاءالله می‌تواند اولین و انگیزه‌دهنده‌ترین فعالیت‌ها در این زمینه باشد. به لحاظ گستردگی و عمقی که این مشکل دارد، ان‌شاءالله محققان بعدی هم اشتیاق پیدا کنند و جوانب دیگری از این موضوع را بررسی کنند. فساد اداری با ظرافت‌های خاص خودش، در گوشه‌وکنار جهان رخ می‌دهد. منشأشناسی این موضوع از خود آن مهم‌تر است؛ یعنی پرداختن به آن، یک مطالعه‌ی علی همه‌جانبه لازم دارد. تنها تحقیق دانش‌پژوه بزرگواری مثل جناب آقای توکلی برای این موضوع کافی نیست؛ بلکه باید جوانب آن شناخته بشود؛ به‌ویژه علت‌های آن. پس از این مرحله باید به خود معلول پردازیم و شاخص‌هایی پیدا کنیم. فعال شدن سازمان‌های نظارتی خوب است، ولی این نوع فعالیت برای مواجهه خوب است، نه پیشگیری. در رویکرد علی، حتماً باید عواملی که موجب پیدایش فساد اداری می‌شود، بررسی شود. ما در همه اسناد مشاهده می‌کنیم که پیشگیری مقدم بر درمان است. پس باید شاخص‌هایی مانند شدت محرومیت، نسبت جمعیت فقیر به جمعیت کل و حداقل معیشت نیز که در به وجود آمدن این مشکل سهیم‌اند، بررسی شود. باید جست‌وجوها گسترده‌تر و دستاوردها همه باهم تجمیع شود تا طرحی جامع و مانع به دست آوریم. برای بیان مطالب، مثالی بیان می‌کنم. امروزه در مناسک حج، برخی از اعمال را نمی‌توان مانند گذشته انجام داد؛ در صورتی که نباید این‌طور باشد. بنابراین، صاحب‌نظر و صاحب‌فتوا باید در صحنه حضور داشته باشد و جواب جماعت را بدهد. این موضوع هم

همین‌طور است. باید وارد صحنه شویم و ببینیم زندگی یک فرد در محیط اداری چه جنبه‌هایی دارد؛ چه مؤلفه‌هایی دارد؛ چه انتظاراتی از او هست؛ چه پاسخ‌گویی‌هایی دارد؛ چه محدودیت‌هایی دارد و چه برخورداری‌هایی از معارف و معالم دارد که ما از او انتظار داریم خطا نکند. اینها همه نیازمند تعریف است. به نظر می‌آید این مؤلفه‌ها باید بازتعریف و سازماندهی شود. نتیجه این پژوهش‌ها باید در محیط واقعی جامعه قابل دفاع و قابل اعلام باشد. این نمودها و ظهور و بروزها همه باید مایه سربلندی باشد. این رتبه‌گذاری‌هایی هم که سازمان‌ها در عرصه بین‌الملل انجام می‌دهند، باید این رو و آن رو بشود. این عددها، واقعیت‌های افتخارآمیز و افتخارآفرین را حکایت بکنند و در گزارش‌ها منعکس بسازد. مسئولیت بسیار گسترده و سنگین است. فعالیت‌های دامنه‌دار و ممتد، تکاملی و هدف‌دار فراوانی باید انجام شود. دیدگاه‌های نهایی باید منطبق بر واقعیت و یا نزدیک به آن باشد. نمی‌توان از دور و بر مبنای حدس و گمان، ولو حدس و گمان عالمانه، تصمیم گرفت. باید حدس و گمان، عالمانه و عاملانه باشد. باید در میدان عمل حضور پیدا کرد. مفید بودن برنامه‌ها به برنامه‌ریزی‌های علمی و پژوهشی بازمی‌گردد. باید افرادی وارد این عرصه شوند تا در آینده کسانی را داشته باشیم که دارای اجتهاد اداره باشند. ان‌شاءالله عده‌ای در این مسیر از نظر علمی و تخصصی رشد یابند و تربیت شوند. جامعه ما جامعه‌ای بزرگ و مرکب است که در آن انتظارات و نیازهای نوظهور زیاد است و باید پاسخ‌گویی لازم در این باره انجام شود. اگر بی‌پاسخ بماند، نباید بپنداریم مسئله حل شده است. این پاسخ‌گویی باید لحظه‌ای باشد. در مورد مسائلی مانند اقتصاد و برخی مسائل دیگر، باید بیرون از محیط درس و بحث، و در واقعیت جامعه این پاسخ‌گویی انجام شود و گرفتاری‌ها کاهش یابد. باید به افرادی که پرسش‌ها یا دیدگاه‌هایی دارند، توجه شود تا چنین مسائلی دامنه پیدا نکند یا شکل عوض نکند و یا فن و فنون خاصی پیدا نکند. ان‌شاءالله که این امیدها با تلاش استادان و پژوهشگران تحقق پیدا کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدمهدی نادری قمی: ما به‌شدت در همه زمینه‌ها خلأ

شاخص‌سازی داریم. برای نمونه، برای تشخیص اینکه مملکت ما تا چه اندازه اسلامی شده است، هیچ شاخصی نداریم و هرکسی براساس تصورات ذهنی خودش قضاوت می‌کند؛ اما اگر بخواهیم باهم تفاهم کنیم، باید معیار مشترکی را در نظر بگیریم و براساس آن اسلامی بودن جامعه را بسنجیم؛ درحالی‌که درباره مهم‌ترین بحث این نظام و جامعه که همان اسلامی بودنش است، تقریباً همه بحث‌ها ذهنی است و هیچ‌کدام علمی، به‌معنای واقعی کلمه نیست. نمونه دیگر، موضوع عدالت است که در اسلام و نظام جمهوری اسلامی مطرح است؛ آیا تا به حال عدالت‌گستری کرده‌ایم یا خیر؟ آیا به سمت عدالت پیشرفت کرده‌ایم یا عقب‌گرد داشته‌ایم؟ در این باره شاخص‌های مشخص و معینی تعریف نکرده‌ایم که در مورد آن، دست‌کم توافق نسبی وجود داشته باشد. بنابراین، بحث شاخص‌سازی که در این پایان‌نامه، آقای توکلی آن را مطرح کرده‌اند، موضوع مهمی است. افرادی که می‌خواهند در مقاطع مختلف پایان‌نامه بنویسند، یکی از موضوع‌های مهم، همین تعیین شاخص‌ها در حوزه‌های متعدد مدیریتی است.

دومین نکته، اهمیت بومی‌سازی شاخص‌هاست. چه بسا افراد دانشگاهی، همان کارهایی را که غربی‌ها و نهادهای بین‌المللی انجام داده‌اند، کافی بدانند و صرفاً بگویند لازمه‌اش این است که فقط آنها را مرور کنیم و یک مطالعه و تحقیقی هم خود ما انجام بدهیم؛ اما شاخص‌ها، همان است که در غرب تعریف شده است؛

درحالی که ما به بومی سازی شاخص ها نیاز داریم و ملاک هایی که بانک جهانی و سازمان ملل و سایر نهادهای مربوط در حوزه های مختلف، به عنوان شاخص تعریف کرده اند، نمی تواند ملاک باشد. بنابراین، باید با رویکرد اسلامی به این مسائل پردازیم. اینکه در مورد موضوع رشوه گفتند ما از بین ۱۸۸ کشور در رتبه ۱۶۰ قرار داریم، یکی از دلایلی این است که خیلی از مواردی را که ما آنها را کاملاً رشوه می دانیم، در امریکا و اروپا آنها را رشوه نمی دانند. از این رو، آنها درصد فسادشان پایین می آید؛ درحالی که اگر ما با شاخص های خودمان آنها را بسنجیم، شاید جای ما با آنها عوض شود. برای نمونه، ما در جایگاه دهم قرار بگیریم و آنها در جایگاه صد و شصتم قرار گیرند. پس بومی سازی شاخص ها با رویکرد اسلامی، حتماً باید انجام شود.

نکته سوم اینکه، گاهی قضاوت های غیرمنصفانه ای در مورد قبل از انقلاب و بعد از انقلاب صورت می گیرد. برای نمونه، می گویند فلان مشکل بعد از انقلاب خیلی بدتر شده است؛ درحالی که شاخص های موجود را حدود چند سال است که مجامع بین المللی تعریف کرده اند. در زمان رژیم پهلوی اصلاً این شاخص ها مطرح نبوده و مطالعه ای هم درباره آنها نشده است و آمار علمی و معتبری در دست نیست که کسی بخواهد این دو وضعیت را باهم مقایسه کند. پس این قضاوت ها غیرعلمی، غیرعالمانه و غیرعادلانه است. دست کم خودمان باید مراقب باشیم تا از این تعبیر و قضاوت ها پرهیز کنیم.

نکته چهارم اینکه، در شاخص هایی که برای فساد تعریف کردند، به جای خود فساد واقعی، ادراک از فساد را آوردند. شاید دلیلش این باشد که بسیاری از رشوه های واقعی معلوم نمی شود و اگر بخواهیم آنها را مطالعه کنیم، اصلاً به آنها دسترسی نداریم. پس آنچه بیشتر بدان دسترسی داریم، همان ادراک از فساد یا رشوه است که می توانیم از افراد بپرسیم و براساس آن قضاوت کنیم. وگرنه زرنگی رشوه دهندگان و رشوه گیرندگان به این است که مخفیانه کارشان را انجام می دهند. از این رو، به دست آوردن آمار آنها خیلی مشکل است.

نکته دیگر اینکه، شایسته بود آقای توکلی در بین تعریف هایی که از فساد ارائه دادند، تعریف منتخب خودشان را هم بیان می کردند تا با آن تعریف، ادامه بحث را ارزیابی کنیم. یک تعریفی که شاید تعریف نسبتاً خوبی باشد، استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است. اگر می گوئیم فساد اداری، منظور این است که فردی از قدرت عمومی - قدرتی که دولت در اختیار او گذاشته است - یا امکانات عمومی که در اختیار او هست، به جای اینکه در جهت منافع عمومی استفاده کند، آن را برای منافع شخصی به کار ببرد. اگر این تعریف را در نظر بگیریم، یک مصداق آن فقط رشوه است و مصادیق فراوان و متعدد دیگری نیز دارد. ما مشتاق بودیم آقای توکلی شاخص هایی را که برای سنجش فساد و به طور مشخص رشوه، طراحی کرده اند، مطرح می ساختند تا بتوانیم درباره آنها قضاوت کنیم. قوت این شاخص ها زمانی مشخص می شود که آنها را با شاخص های غربی ها مقایسه کنیم تا دریابیم شاخص هایی که با رویکرد دینی عرضه شده اند، واقعاً قوی تر و بهترند یا اشکالاتی دارند.

نکته پایانی، ارتباط متغیر فساد با سایر متغیرهاست. ما اگر مشکلی در حوزه ای داریم، الزاماً نباید راه حل و ریشه آن را در همان حوزه جست و جو کنیم. برای نمونه، اگر یک مشکل اقتصادی داریم، چه بسا این مشکل اقتصادی به نظام سیاسی مربوط باشد؛ یعنی چون نظام سیاسی ما این گونه است، پس اقتصاد ما هم بدین صورت شده است.

بنابراین، اگر بخواهیم مشکل اقتصاد حل شود، چون ریشه‌اش در نظام سیاسی است، باید در نظام سیاسی تحولی ایجاد کنیم تا مشکل اقتصاد هم حل شود؛ وگرنه تازمانی که آن نظام سیاسی با آن مدل خاص هست، این مشکل هم حل نخواهد شد. در بحث فساد اداری هم همین معنا وجود دارد، به‌ویژه در ارتباط با نظام سیاسی؛ اگر نظام سیاسی به‌گونه‌ای طراحی شده باشد که پاسخ‌گویی در آن کم باشد، این می‌تواند زمینه شیوع فساد باشد؛ زیرا افراد خودشان را پاسخ‌گو نمی‌دانند و به سمت فساد می‌روند. اما اگر نظام به‌گونه‌ای طراحی شده باشد که افراد مجبور باشند به مراکز مختلفی پاسخ‌گو باشند، از ترس پاسخ‌گویی، فساد کمتری مرتکب خواهند شد. در مورد بحث شفافیت هم همین‌طور است؛ هرچه کارها شفاف‌تر انجام شود و بیشتر در ملاءعام باشد - به‌جای اینکه در حوزه‌های خصوصی، غیرشفاف و مبهم انجام شود - کمتر باعث فساد می‌شود؛ یعنی این متغیر با متغیرهای دیگری در ارتباط است که می‌تواند به‌منزله راه‌حل در بحث فساد اداری از آن استفاده شود.

پرسش: ما ذهنیتی درباره مفهوم‌شناسی رشوه در آیات و روایات داریم که شاید اشتباه باشد و آن اینکه رشوه فقط به عرصه قضا مربوط است؛ یعنی جایی که حق را باطل یا باطلی را حق کند. آیا در اصطلاح فقیهان، رشوه می‌تواند مفهوم فساد اداری را پوشش دهد یا فقط به بخش قضا اختصاص دارد؟

پاسخ آقای دکتر توکلی: من تلاش داشتم بگویم که خلأ شاخص‌سازی و اهمیت بومی‌سازی شاخص‌ها، واقعاً برای ما جدی است. در مشورت‌های اولیه برای انجام دادن کار، کمتر کسی توصیه می‌کرد که وارد چنین فضایی شوم؛ ولی به نظر می‌رسید که بحث بسیار مهم است؛ به‌ویژه که مقام معظم رهبری درباره این موضوع دغدغه داشتند. همچنین به نظر می‌رسید این یک توطئه‌مانندی است که کشورهای غرب شاخص‌هایی طراحی کرده‌اند و براساس این شاخص‌ها، کشورهای اسلامی، جز یک یا دو کشور، عموماً در یک چارک آخر قرار گرفتند. ایران هم به تدریج در یک چارک آخر قرار گرفت؛ تا آرام‌آرام بگویند که این به‌دلیل فرهنگ این کشورهاست، به‌دلیل دین این کشورهاست و مانند اینها. بنابراین، بومی‌سازی شاخص، اهمیت زیادی دارد. مهم است که بدانیم ما کجا واقع شده‌ایم تا بعد طرحی بدهیم که چه کاری باید انجام دهیم.

درباره گزارش‌های مربوط به قبل و بعد از انقلاب، باید بگویم که سازمان شفافیت بین‌الملل، تقریباً از سال ۱۹۹۳ به‌وسیله پیتز آیگن شروع به کار کرد و از بانک جهانی جدا شد. اولین گزارش‌های آن، مربوط به سال ۱۹۹۵ است. ایران از سال ۲۰۰۳ وارد این جدول شده و پیش از انقلاب چنین چیزی مطرح نبوده است. بنابراین، اگر چنین تلقی‌ای وجود دارد، تلقی غلطی است. حتی آقای رفیع‌پور در کتاب خود آورده است که فساد اداری در پنج سال اخیر رشد کرده است. ایشان هم در مقایسه با قبل از انقلاب می‌گویند، این وضعیت قابل مقایسه نیست.

درباره فساد اداری که ایران با آن سنجیده می‌شود، از مصادیق هفت یا هشت‌گانه‌ای که خود سازمان شفافیت بین‌المللی به‌عنوان مصادیق فساد اداری برشمرده است، فقط موضوع تقاضای ارتشا را بررسی می‌کند؛ یعنی اگر یک خارجی بخواهد در ایران جنسی را خرید و فروش کند، مدیران و افراد آن جامعه چه میزان تقاضای رشوه می‌کنند. تعمیم دادن چنین موضوعی به کل فساد اداری، تعمیمی نابجاست.

نکته دیگر، موضوع ادراک‌سنجی و واقعیت‌سنجی است. در نسل دوم شاخص‌های فساد اداری که

واقعیت‌سنجی کردند، چند راهکار وجود داشت؛ یک بخش آن، این بود که مثلاً بودجه از کجا مصوب، و چگونه در جامعه خرج می‌شود. با بررسی این گزارش از بالا به پایین و از پایین به بالا، معلوم می‌شود که آورده‌ها، ستاده‌ها و داده‌ها باهم تطبیق می‌کنند؛ در غیر این صورت، انحراف رخ داده است. کارت شهروندی از شهروندان می‌پرسد در مراجعه به سازمان‌ها - مثلاً چهارده سازمان مثل پارلمان، قوه قضائیه و... - با چنین مصداقی برخورد کرده‌اید یا خیر. در واقع تمرکز سنجۀ جهانی فساد، بر این است که از نمونه آماری سؤال می‌کند آیا شما یا اقوام نزدیکتان در سه سال گذشته در مراجعه به این سازمان‌ها، با تقاضای رشوه مواجه شده‌اید یا خیر؛ یعنی بدین صورت واقعیت‌سنجی می‌کنند. در طراحی‌ای که ما به دنبال آن هستیم، ادراک‌سنجی و واقعیت‌سنجی باید توأمان باشد.

نکته دیگر درباره اعتبار این آمارها آن است که نمی‌توان ادراک‌سنجی را به جای واقعیت‌سنجی قرار داد؛ زیرا در جامعه تلقی واحدی از پدیده ارتشا وجود ندارد. وقتی ادراک‌سنجی را ملاک قرار دادید، احتمالاً پارتی‌بازی، اختلاس، اخاذی و اعمال نفوذ را هم با ارتشا اشتباه می‌گیرند. بنابراین، آمار تغییر می‌کند. ضمن اینکه، اگر سه نهاد مختلف از کشوری گزارش می‌دهند، با چه کار روش‌شناختی می‌خواهید حاصل تحقیقات آنها را ترکیب کنید و از آن نتیجه بگیرید که وضعیت کشور این چنین است. پس این ایراد وجود دارد. برای این کار تحقیقی، بیش از صد مقاله، هشتاد گزارش و چهل کتاب، بررسی شده است. همچنین برای طراحی شاخص، مجبور شدم یک کتاب را به فارسی ترجمه کنم. شاید انتظار این بود که شاخص‌های رشوه را بیان کنم تا امکان مقایسه و انتخاب وجود داشته باشد؛ ولی آنچه برای من اهمیت دارد، بحث روش‌شناسی آن بود. من دنبال این بودم که بگویم این شاخص‌ها کدام‌اند؛ چگونه می‌توان آنها را نقد کرد؛ چگونه می‌توان به سمت طراحی شاخص جدید رفت. اگر این را نمی‌گفتم، کارم ناقص می‌ماند؛ ولی چندان تعمّد نداشتم که حتماً نتیجه کار را بیان کنم.

در مورد تعریف موضوع، تعاریف متعددی ارائه شده بود. آخرین تعریف که تعریف منتخب هم بود، همین موردی بود که شما مطرح کردید؛ هرچند در تفصیلش نقدهایی بر آن وارد است. براساس دیدگاه‌های دینی و جمع‌بندی دیدگاه فقیهان، تعریف خاصی از ارتشا عرضه شد؛ ولی در همان تعریف‌های عرضه‌شده، تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل، یکی از تعریف‌هایی بود که شما بدان اشاره کردید.

اینکه ارتباط متغیر فساد با سایر متغیرها در اجتماع چیست، واقعاً درست است؛ اما کار ما این نبود که علل فساد را بررسی کنیم یا برای مبارزه با فساد و پیشگیری از شیوع آن راهبرد بدهیم؛ مسئله ما این بود که جامعه‌ای مبتلا داریم، ولی میزان این ابتلا را نمی‌دانیم. شاخص‌های موجود جهانی هم نمی‌توانند خیلی به ما کمک کنند تا میزان ابتلای ما مشخص شود. بدیهی است اگر نفهمیم میزان ابتلای یک انسان به بیماری چقدر است، نمی‌توانیم در برنامه‌ریزی‌ها و پیشنهاد راهکارهایمان درست اقدام کنیم. همان‌گونه که جناب آقای دکتر تسلیمی گفتند، این بحث ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که دانشکده مدیریت دانشگاه تهران به این نتیجه رسید که یک مرکز باید برای این کار تأسیس شود. در دنیا هم مراکز متعددی برای این کار در نظر گرفته شده است.

در مورد سخن برادر عزیزم همین‌طور است؛ یعنی با بررسی آرای ۳۸ فقیه دریافتم که بیشتر، این موضوع را در عرصه قضا مطرح کرده‌اند؛ برای نمونه، مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی در این موضوع حدود نود صفحه

فقه استدلالی دارند؛ مرحوم آیت‌الله خوبی فقه استدلالی مفصلی در این زمینه دارند؛ مرحوم آیت‌الله معرفت و آیت‌الله مؤمن بحث‌های خوبی مطرح کرده‌اند. البته غیر از بحث فقیهان، روایت هم داریم که دایره این موضوع به باب قضا محدود نمی‌شود. اینکه در عرصه قضا بیشتر به این موضوع پرداخته شده است، به دلیل مسائل مبتلابه بوده است. یعنی هم در روایات داریم و هم فقیهان فتوا دادند که قضاوت را نزد غیر خودی نبرید. بنابراین، درباره این مسئله کار فقهی بیشتری شده است.

اما در بحث حاکمیت و عاملیت، چون این مشکل وجود نداشته، ادبیات فقهی آن تا حدودی ضعیف‌تر است، ولی در عین حال با جمع‌بندی آرای فقها و بررسی تفصیلی ادله به این جمع‌بندی می‌رسیم که رشوه در غیر از قضاوت، یعنی کارگزاران و کارکنان هم مطرح است.